

سرنوشت مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان

نویسنده: سید حسیب مصلح بیسواد
ملبورن - استرالیا
شانزدهم جون 2019

زلمی خلیل‌زاد، با همه گمانه زنی های بعضی از شهروندان افغانستان در باره زیرکی، توانایی و استعدادش، موازی با پیش بردن طرح مذاکرات صلح به نمایندگی امریکا با طالبان از آن رو تا حال موفق نشده، چونکه پاکستان با او و با زمان بازی می کند. پاکستان باورمند است که اگر بین ایران و امریکا جنگ صورت گیرد، افغانستان میدان دوم آن جنگ خواهد شد. اگر جنگ ایران و امریکا آغاز شود، مهم نیست که کدام جناح در کابل بر اریکه قدرت نشسته، نوکران و پاسداران ایران دم از روزگار نیروهای امریکایی در افغانستان می کشند. فرض کنید که بین امریکا و طالبان صلح برقرار شود، و طالبان با توافق امریکا بالای افغانستان حاکم شوند؛ آیا در صورت بروز جنگ بین امریکا و ایران روزگار طالبان و سرنوشت رژیم آنان در برابر تهاجمات نوکران و پاسداران ایران بالای نیرو های اشغالگر خارجی به سرکردگی امریکا در افغانستان سیاه خواهد شد؟

آیا طالبان با داشتن پشتوانه و حمایت پاکستان، عربستان سعودی و امریکا توان مقابله در برابر حملات و تهاجمات لشکر فاطمیون و سپاه پاسداران و دست پروردگان رژیم ایران در افغانستان را خواهند داشت؟

از دید دیگر، پاکستان، ایران، روسیه و چین خواهان خروج نیروهای اشغالگر خارجی از افغانستان هستند. پاکستان هرگز نمی خواهد طالبان در افغانستانی حاکم شوند که امریکا از آن جا علیه ایران عملیات نظامی انجام دهد، چون در پایان روز امریکا در این جنگ علیه تشیع که مرکز آن ایران است، شکست خواهد خورد.

آیا می دانید که در صورت وقوع جنگ بین ایران و امریکا همه شیعیان جهان چه واکنشی نشان خواهند داد؟

چرا در طی نژده سال گذشته ایران از راه دریا، خشکه و هوا تا حال بیش از پنجصد هزار شیعه را از افغانستان، پاکستان، ایران، عراق، سوریه، لبنان و بحرین به کشور های اروپایی، امریکا، کانادا، برازیل، آرژانتین، وینزویلا، کوبا، استرالیا، زیلاند جدید، هند، اندونیزیا، مالزی و ... فرستاده است؟

سی درصد نفوس پاکستان را شیعیان تشکیل می دهد. آیا شیعیان پاکستان در صورت وقوع جنگ بین امریکا و ایران و حمایت پاکستان از امریکا در آن جنگ جهت خشنودی عربستان سعودی دم از روزگار عمران خان و نیروهای نظامی و استخباراتی آن کشور نخواهند کشید؟

از این رو است که بر اساس درک وخامت اوضاع و ضرر های جانبی جنگ امریکا با ایران، پاکستان می کوشد در آن جنگ در ظاهر قضیه از اصل بیطرفی استفاده کند و نقش میانجی را بازی نماید تا خودش درگیر در چنان آتش سوزان و تباه کن گرفتار نگردد.

در صورت وقوع جنگ بین ایران و امریکا، شیعه های افغانستان و لشکر فاطمیون هم موازی به شیعه های پاکستان، عراق، سوریه، یمن، بحرین، مصر، عربستان سعودی، لبنان، و ... دم از روزگار نیروهای امریکایی و نوکران امریکا در سطح منطقه می کشند. از این رو جنگ بین امریکا و ایران به نفع امریکا، افغانستان، پاکستان، منطقه و حامیان و نوکران امریکا نیست. اما پاکستان که در خفا با عربستان سعودی همدست است منتظر تعیین سرنوشت کشمکش بین امریکا و ایران است تا دیده شود که وسعت واکنش و درگیری ایران و نوکران، حامیان و سرسپردگانش به قول وزیر خارجه اسبق ایران به راستی از مرز چین تا لبنان وسعت پیدا می کند یا که این هم یک لاف سیاسی است؟

جان بولتن فکر می نماید که جهان اسلام در برابر جنگ ایران و امریکا، مانند جنگ امریکا و عراق که منجر به سرنگونی رژیم صدام شد، سکوت اختیار می کند. **اشتباه فاحش جان بولتن هم همین محاسبه نادرست او از واکنش شیعیان سرتاسر جهان در برابر جنگ امریکا علیه ایران است، چون در جنگ بین امریکا و ایران شیعه ها این جنگ را یک تجاوز و حمله علیه هویت، ماهیت و هستی مذهب شان و بر ضد حقوق، منافع و آینده خویش می شمارند. شیعیان پاورمند هستند که در پشت کشمکش و جنگ احتمالی امریکا علیه ایران همانا وهابی ها و اسرائیلی ها قرار دارند. این جا است که این جنگ در حقیقت از دید شیعیان جنگ هویتی و حیاتی بین شیعیان از یک طرف و عیسویان و یهودیان و وهابیان از طرف دیگر در سطح جهانی شناخته می شود.**

بنابر این، پاکستان تا زمانی که سرنوشت کشمکش و جنگ بین ایران و امریکا حل نشود، خواهان صلح پایدار بین امریکا و طالبان، بدون پشتوانه و تضمین روسیه و چین در سطح شورای امنیت سازمان ملل متحد نیست. از همین رو پاکستان مکارانه به طالبان اجازه داده تا جهت خریدن وقت موازی با ادامه مذاکرات صلح بین طالبان و امریکا در قطر چنین مذاکراتی را با روسیه و چین از یک سو و با مخالفان پیشین و فعلی خویش از طرف دیگر در مسکو به راه اندازند تا در کل هم زمان خریدن شود و هم امریکا و روس در مقابل هم قرار گیرند. هدف غایی پاکستان گرفتن تضمین از امریکا و روسیه جهت خروج نیروهای اشغالگر امریکایی و کشور های عضو ناتو از افغانستان است و برای نهادینه ساختن معاهده صلح پایدار باید توافقی رسمی بین دو عضو عمده شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی بین روسیه و امریکا در قبال جنگ افغانستان به دست آید. **توافق صلح بین امریکا و طالبان بدون پشتوانه روسیه و امریکا با نظارت و حمایت چین هیچ معنی نمی دهد و تضمین کننده آینده صلح پایدار در افغانستان شمرده نمی شود.**

اما خلاص کلام این که **پاکستان با متقابل ساختن امریکا با روسیه بزرگترین بازی سیاسی را در سطح افغانستان و منطقه به راه انداخته است.** پاکستان می خواهد روسیه لجام سرنوشت صلح پایدار را در مقابل امریکا به دست گیرد، چنان که امریکا لجام طرح خروج نیروهای متجاوز ارتش سرخ از افغانستان را در مذاکرات ژنو در برابر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به دست داشت. از طرف دیگر پاکستان با به میان کشاندن پای روسیه در مذاکرات صلح بین طالبان و امریکا در واقعیت از روسیه در برابر رژیم آینده به سرکردگی طالبان تضمین سیاسی و نظامی می گیرد تا روس ها مخالفان طالبان را در آینده علیه آن رژیم طالبانی حمایت مالی و نظامی نکنند. این بازی پاکستان در واقعیت امر برای روسیه در برابر امریکا آبرومندی تاریخی هم به بار می آورد. از طرف دیگر **معاهده صلح بین امریکا و طالبان با توافق روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد تضمین کنندگان صلح پایدار در برابر هرگونه تهاجم امریکا و ناتو به خاک افغانستان در آینده شمرده می شود،** چنانچه ما شاهد هستیم که پس از توافق خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان با آن که افغانستان میدان جنگ های نیابتی شده است، روس ها به افغانستان نیرو نفرستاده اند و نمی خواهند دوباره در جنگ افغانستان به صورت نظامی برخورد کنند. اگر در معاهده صلح پایدار بین طالبان و امریکا تحت مدیریت روسیه و چین چنین آید که نیرو های امریکا و کشور های عضو ناتو تحت هیچ شرایطی حق مداخله نظامی و تجاوز به خاک افغانستان را ندارند و در آینده نمی توانند با پیشکش کردن بهانه های من در آوردی افغانستان را اشغال کنند در آن صورت است که پاکستان با کمال اعتماد و اطمینان و با تضمین روس ها و چینی ها طالبان را برای امضا کردن معاهده صلح پایدار با امریکا تشویق می کنند.